



جغرافیا و روابط انسانی، تابستان ۱۳۹۷، دوره ۱، شماره ۱

ارزیابی مؤلفه‌های رضایتمندی از فضاهای عمومی محله بهارستان شهر تهران

حسین حاتمی نژاد^۱، منصوره محمدی سلمانی^۲، اصغر حیدری^۳

۱- دانشیار گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، ایران.

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران، ایران.

۳- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران، ایران.

hataminejad@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۱

تاریخ بازنگری: ۱۳۹۷/۰۶/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۵

چکیده

یکی از مباحث مهم در موضوع برنامه‌ریزی شهری و همین‌طور بحث مدیریت شهری، توجه به فضاهای عمومی است، فضاهایی که نقش عمده‌ای را در تعامل‌بخشی، اجتماع‌پذیری، ایجاد شادابی، تنوع و سرزندگی در یک محله می‌توانند بازی کنند. همچنین امروزه فضاهای عمومی شهری، ضرورتی اساسی در برنامه‌های توسعه شهری یافته‌اند که این امر حکایت از نقش این فضاها در تقویت وجهه فرهنگی - اجتماعی شهر دارد. بنابراین با توجه به نقش بسیار مؤثر فضاهای عمومی در حیات شهری، برنامه‌ریزی برای این گونه از فضاها یکی از اولویت‌ها و دغدغه‌های اصلی مدیران شهری است. بنابراین هدف اصلی این تحقیق بررسی مؤلفه‌های اصلی رضایتمندی از فضاهای عمومی در محله بهارستان شهر تهران می‌باشد. روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر داده‌های اولیه می‌باشد که جمع‌آوری اطلاعات اولیه، به صورت اسنادی و پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه انجام گرفته است. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزارهای *SPSS* و *Smart PLS* مورد پردازش قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان‌دهنده آن است که رضایتمندی از فضاهای عمومی بر اساس نتایج آزمون *T* در محله بهارستان تهران با میانگین ۲,۷۵ در طیف لیکرت در سطح پایینی قرار دارد. همچنین بر اساس نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی مؤلفه‌های اصلی مؤثر بر رضایتمندی از فضاهای عمومی به ۴ عامل اصلی تقسیم شد. همین‌طور نتایج حاصل از مدل‌سازی مسیر *PLS* مؤلفه‌های اصلی تأثیرگذار بر رضایتمندی از فضاهای عمومی مؤلفه‌های جذابیت، ایمنی و امنیت، غنا و جامعیت شناخته شدند که با برنامه‌ریزی در راستای ارتقاء و ساماندهی این مؤلفه‌ها می‌توان سطح رضایتمندی از فضاهای عمومی در این محدوده را بالا برد. واژگان کلیدی: فضای عمومی، سرزندگی، رضایتمندی، محله بهارستان.

مقدمه

بین انسان و محیط رابطه دوسویه وجود دارد، و ادراک و در نتیجه حس و هویت مندی در بستر مکان صورت می‌گیرد (Orum, 2010: 14). فضاهای عمومی در واقع مکانی برای رفع نیازهای روزمره زندگی عمومی در شهرها هستند. این فضاها در طول زمان و بر اساس شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تغییر می‌یابند (Mandeli, 2010: 44). فضا با زمان معنا می‌یابد و به مکانی برای حضور تبدیل می‌گردد. فضای عمومی مفهومی فراتر از فضای کالبدی دارد، جایی که گذشته، حال و آینده درهم می‌آمیزند و مانند زندگی، ترکیب پوسته‌ای به وجود می‌آورند، که مکان انباشت خاطرات جمعی است (حبیبی و پورمحمد رضا، ۱۳۹۲: ۸).

فضای عمومی شهری به عنوان یک پدیده اجتماعی، کالبدی، جغرافیایی؛ برآیند ترکیب عوامل و عناصر مختلف در طول زمان و نمود فضایی و مکانی این عوامل است (Hall, 1984: 42). فضاهای شهری، که به عموم شهروندان تعلق داشته، منحصر به جنبه کالبدی و فیزیکی نبوده و در حقیقت با حضور انسان و فعالیت اوست که معنا می‌یابند. گرچه توجه به نقش و ارتقاء وضعیت فضاهای عمومی شهری از بدو پیدایش شهرها و به‌ویژه در طول بیش از یک دهه گذشته همواره وجود داشته اما نگاه صاحب‌نظران به این موضوع در دوران گوناگون متفاوت بوده است و با گذشت زمان به حضور انسان به عنوان عامل اصلی ایجاد پویایی و سرزندگی در فضای شهری توجه بیشتری شده و نیز تمرکز از ویژگی‌های کمی انسانی همچون جاذبه‌های بصری به شاخصه‌های کیفی تغییر پیدا نموده است (کاشانی جو، ۱۳۸۹: ۹۸).

یک فضای شهری می‌تواند متناسب با نیازهای زمانی و مکانی افراد جامعه، خصلت مطلوب یا نامطلوب پیدا کند (Golany, 1996). فضای عمومی شهر، فضای باز قابل حضور برای گروه‌های مختلف اجتماعی است که پویایی و کارایی آن نیازمند تعاملات اجتماعی و برخوردهای متنوع است (پورمحمدی و کوشانه، ۱۳۹۲: ۳۸). به عبارت دیگر مراد از عمومی بودن فضا حضور افراد و اقشار و سنین مختلف و جریان داشتن فعالیت‌های متنوع اجتماعی و خدماتی در آن است (تقی پور، ۱۳۹۵). محیط شهری علاوه بر اسکان جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی شکل‌دهنده روابط اجتماعی و فرهنگی بشر نیز هستند. فضاهای عمومی عرصه ظهور وجه اجتماعی زندگی انسان در جامعه است (بصیری‌مژده‌ای و خلیجی، ۱۳۹۲: ۳۸).

همان‌طور که بسیاری از محققین شهری بیان کرده‌اند فضاهای عمومی از عناصر مهم یک شهر هستند که نقاط جذاب و بی‌نظیر آن را تعریف می‌کنند. عده‌ای معتقدند که در سکونتگاه‌های شهری قبل از مدرنیسم فضاهای عمومی مانند میادین شهری و بازارها، به عنوان عرصه‌ای جهت ارتباطات اجتماعی بوده‌اند و در حقیقت مکان‌هایی متشکل از فعل و انفعالات اجتماعی تعداد زیادی از مردمانی که این تعاملات را امکان‌پذیر می‌ساختند قلمداد می‌شده‌اند (آراسته، ۱۳۸۹: ۱۱۰). علاوه

بر این فضاها باز در ایجاد حس اعتماد و اطمینان به مردم کمک کرده و باعث افزایش حس همبستگی و تعلق در مردم می‌شوند. در حقیقت این فضاها فراتر از مکان‌هایی صرفاً برای تفریح هستند همان‌طور که گودمن^۱ بیان می‌کند این مکان‌ها عناصر حیاتی در محیط ما هستند که در عین حال که دارای عملکردهای مثبت و ضروری بوده فرصت‌هایی نیز جهت تفریح مردمان فراهم ساخته و از منابع طبیعی حفاظت کرده و بر طیف وسیعی از تصمیمات توسعه اقتصادی اثر می‌گذارد (Goodman, 1968). راجرز^۲ معتقد است که امروزه شهرهای بزرگ اغلب توسط فضاهای عمومی وسیع‌شان شناخته می‌شوند و کیفیت عملکردهای این فضاها یکی از ابزارهای سنجش قدرتمندی شهرها و توانایی آن‌ها در ایجاد تفریح و سرگرمی، زیبایی‌های طبیعی و فضاهای باز برای شهروندان می‌باشد. فضاهای عمومی در مقولاتی نظیر ایجاد و تقویت غرور شهری، افزایش گردشگری و سرمایه‌گذاری اقتصادی و کمک در افزایش گردشگران و سرمایه‌گذاران اقتصادی و کمک در ایجاد و سلامتی و بهبود کیفیت زندگی نیز به شهرها سود رسانده‌اند و نقش عمده‌ای در الگوهای برنامه‌ریزی شهری و اجتماعی کردن محلات دارند (Rogers, 2003).

به طور کلی چارچوب نظری و مفاهیم نظری بحث فضاهای عمومی شهری را چنین می‌توان آغاز کرد که کیفیت محیط از برآیند کیفیت اجزای متشکله یک ناحیه معین حاصل می‌شود. اما با این وجود، بیشتر از جمع اجزای سازنده، بر ادراک کلی از یک مکان دلالت دارد. اجزای سازنده (طبیعت، فضای باز، زیرساخت‌ها، محیط انسان‌ساخت و مصنوع، تسهیلات محیط کالبدی و ذخایر طبیعی) هر یک مشخصات و کیفیت‌های خاص خود را دارا می‌باشد (صالحی ۱۳۸۷، ۱۲۸).
 فضا، گستره‌ای محصور و دارای حد است که جایگاهی برای حضور اشیاء خواهد بود. حد هر فضا، بنا به موضوع مورد بحث، متفاوت بوده و از فضای مجازی ذهن تا گستره کل جهان هستی متفاوت است. اصولاً بشر بین خود، اشیاء و محیط پیرامون رابطه ایجاد می‌کند بدین معنی که وی خود را به طریق فیزیولوژیک، با اشیاء و اجسام کالبدی وفق و ارتباط می‌دهد که ما آن را به لحاظ تأثیرگذاری انسان- فضا می‌نامیم (رفیعیان و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۶). فضا، بستر کنش‌های انسانی، و محلی برای حیات انسان و در یک کنش انسان- محیط، شامل زیر کنش‌های انسان- انسان، انسان- انسان- پیرامون و غیره محسوب می‌شود (James, 2008: 427). به مرور زمان که درک پدیده‌های مربوط به فضا گسترش یافت، اصطلاحات به کار برده شده در مورد فضا دقیق‌تر و علمی‌تر شده و واژه‌هایی از قبیل فضای آزاد، فضای خالی، فضای جدا، فضای باز، فضای کاشته شده و منفی مطرح شدند. ولی در واقع این تنوع اصطلاحات، به سیر تحول در نحوه نگرش شهرسازان مطرح می‌شود، که نهایتاً به اصلاح "فضای شهری" منجر شده است (پاکزاد، ۱۳۸۴: ۷۹).

¹ Goodman

² Rogers

مفهوم فضای عمومی که امروزه به کار گرفته می‌شود ریشه در مفاهیم مدرن که از قرن هجدهم ظهور پیدا کرده‌اند داشته و جامعه را به عنوان قلمرویی برای انعقاد ارتباط بین غریبه‌ها قلمداد می‌کند. این موضوع جامعه تجاری مدرن را از جامعه قبلی آن که مردم پیرو آداب و سنن بودند و از طریق پیوندهای طایفه‌ای و فامیلی بدون دخالت اراده فردی باهم مرتبط می‌شدند متمایز می‌سازد (مدنی پور، ۱۳۹۱: ۲۶۴). از دید والزر فضای عمومی فضایی است که در آن با غریبه‌ها سهیم هستیم، مردمی که اقوام، دوستان یا همکار ما نیستند. فضایی است برای سیاست، مذهب، دادوستد و رویش، فضایی برای همزیستی مسالمت‌آمیز و برخوردهای غیرشخصی (اسمعیلیان و رنجبر، ۱۳۹۲: ۱۸۴). فضاهای شهری بخشی از فضاهای باز و عمومی شهرها هستند که نوعی تبلور ماهیت زندگی جمعی می‌باشند، درواقع فضاهای باز عمومی، ظرفی برای حضور شهروندان است که بعد از دهه شصت قرن بیستم، موضوع مهم اندیشمندان شهر بوده است. کر فضاهای عمومی را بستر مشترکی می‌داند که مردم فعالیت‌های کارکردی و مراسمی را که پیونددهنده اعضای جامعه است (چه روزمرگی‌های معمولی باشد و چه جشنواره‌های دولتی) در آن انجام می‌دهند و آن را صحنه‌ای می‌داند که بر روی آن نمایش زندگی جمعی، در معرض دید قرار می‌گیرد (حیبی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶۶). جیکوبز معتقد است فضاهای عمومی کلید اصلی در شکل‌دهی به سرمایه‌های عمومی هستند (جیکوبز، ۱۳۸۵). لنگ فضاهای عمومی را شامل فضاهای درونی مانند ساختمان‌های عمومی، سالن‌های ایستگاه‌های قطار و فضاهای داخلی مجتمع تجاری و فضاهای بیرونی مانند خیابان‌ها، میادین و پارک‌ها می‌داند. او ماهیت بسیاری از مکان‌های عمومی را ابهام‌آمیز می‌داند. بدین جهت که مردم در دسترسی، آزادی نسبی دارند، اما مالکیت مکان‌ها عمدتاً خصوصی است. لنگ اشاره می‌کند که از دید متخصصان حرفه‌ای، در هر یک از زمینه‌های طراحی محیط، عرصه عمومی از دو جزء تشکیل می‌شود: جزء اول با عناصر عمومی محیط کالبدی (مصنوعی و طبیعی) که رفتارها در آن روی می‌دهند ارتباط دارد و عرصه‌ی عمومی کالبدی است. جزء دوم چگونگی تصمیم‌گیری‌های جمعی توسط دولت یا در چارچوب سازوکار بازار برای قانون اساسی هر کشور را در بر می‌گیرد و عرصه عمومی تصمیم‌گیری است (Lang, 2004).

فضای عمومی شهری، به عنوان مکان‌هایی جهت مناسبات و روابط بیرونی، تعاملات، تغییرات و رویارویی‌های اجتماعی و مکان‌هایی که گروه‌های مختلف، با خواست‌ها و علایق متفاوت گرد هم جمع می‌شدند تعریف می‌شود (Gehl, 2007: ۱۹). این فضاها به عنوان مکان‌هایی جهت انجام فعالیت‌های متنوع و گوناگون شهروندان یک شهر و مکان‌هایی برای مشارکت اجتماعی آن‌هاست. خیابان‌ها و میدان‌ها در مناطق مسکونی، تجاری و محله‌ها فضاهای باز و پارک‌ها، فضاهای عمومی هستند. بنابراین عموم مردم باید به راحتی به آن‌ها دسترسی داشته و با حداقل دسترسی آزاد به آن‌ها در ساعاتی از روز آزاد باشد (رفعیان و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۷). زیرا بر اساس نیاز شهروندان به وجود آمده و از این رو، باید به روی عامه

مردم گشوده شود به علاوه کتابخانه‌های عمومی، فرهنگسراها، سینماها، آثار تاریخی، بازارهای خرید، فضاهای مذهبی و ورزشگاه‌ها نیز جز فضاهای عمومی به شمار می‌روند (امیر اصلانی و آشتیانی، ۱۳۸۵). فضای شهری قلمرویی عمومی است، شبکه‌ای از فضاها و گوشه‌هایی که عموم مردم آزادند بروند، باهم ملاقات کنند و گرد هم آیند و به سهولت همدیگر را ببینند. فضای شهری، فضایی عمومی است که سه عامل کالبدی، اجتماعی و روانی به آشتی می‌رسد (پارسی و فرمینی فراهانی، ۱۳۹۵: ۳۰۸).

اهمیت این موضوع اساساً به جهت نقش مؤثری که این‌گونه فضاها در جامعه دارند و این مهم بارها از سوی بسیاری از دست‌اندرکاران و صاحب‌نظران مسائل شهری مانند (پاتریک گدس: ۱۹۱۵، گوردن کالن: ۱۹۵۹، کوین لینچ: ۱۹۶۱، لوئیس مامفورد: ۱۹۶۱، جین جیکوبز: ۱۹۶۱، ادموند بیکن: ۱۹۷۳، راپاپورت: ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸، ادوارد کروپات: ۱۹۸۵، کارولین فرانسواز: ۱۹۸۸، دیوید هربرت: ۱۹۸۱ و ۱۹۹۱، جان مونتگمری: ۱۹۸۸، یانبتلی: ۱۹۹۹) مطرح شده است (پورمحمدی و کاشانه، ۱۳۹۲: ۴۴).

در رابطه با پیشینه تحقیق می‌توان گفت که موضوع محتوای فضای شهری در طی سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، محور بحث‌های گوناگون بوده و اندیشمندان رشته‌های مختلف به آن پرداخته‌اند (قاسم‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۸). که در زیر به چند مورد از پژوهش‌هایی که در رابطه با این موضوع انجام شده است اشاره می‌کنیم.

لیپتون^۱ در سال ۲۰۰۳ به موضوع فضاهای عمومی شهر پرداخته و به نتایج منفی "مرزهای نفوذناپذیر و انتشار اطلاعات غلط یا کلیشه‌ای پیامدهای نامطلوبی به‌جای می‌گذارد" و نتایج مثبت "فضاهای عمومی به عنوان اتاق زندگی بیرونی و مرکز تفریح و فراغت بیرون از خانه" رسیده است.

اتکیتسون^۲ و بلندی^۳ در سال ۲۰۰۵ در تحقیقی با عنوان تنزل روابط اجتماعی شهرها به نتایج مثبت و منفی رسیده‌اند که از جمله نتایج مثبت آن می‌توان به "فضاهای عمومی با عملکرد حدود فعالیت عمومی مرتبط است و زمینه‌ی مشارکت مردم را فراهم می‌آورد" و نتایج منفی "از دست دادن فضاهای عمومی در شهر منجر به پیامدهای مهم اجتماعی خواهد شد" اشاره کرد.

اسمیت^۴ و لاو^۵ در سال ۲۰۰۵ در موضوع امنیت زنان در فضاهای شهری به مطالعه پرداخته‌اند که نتایج مثبت آن "مدیریت شهری کارآمد با نگاه برابری خواهانه به تمام شهروندان می‌تواند به ایجاد تعادل و توازن و امنیت شهر بینجامد" و از جمله نتایج منفی آن "مکان‌های شهری محل وقوع اتفاقات شهری است. رشد سریع شهرها، تفاوت‌های غیرمنصفانه بین دو

¹ Lipton

² Atticons

³ Belendi

⁴ Smith

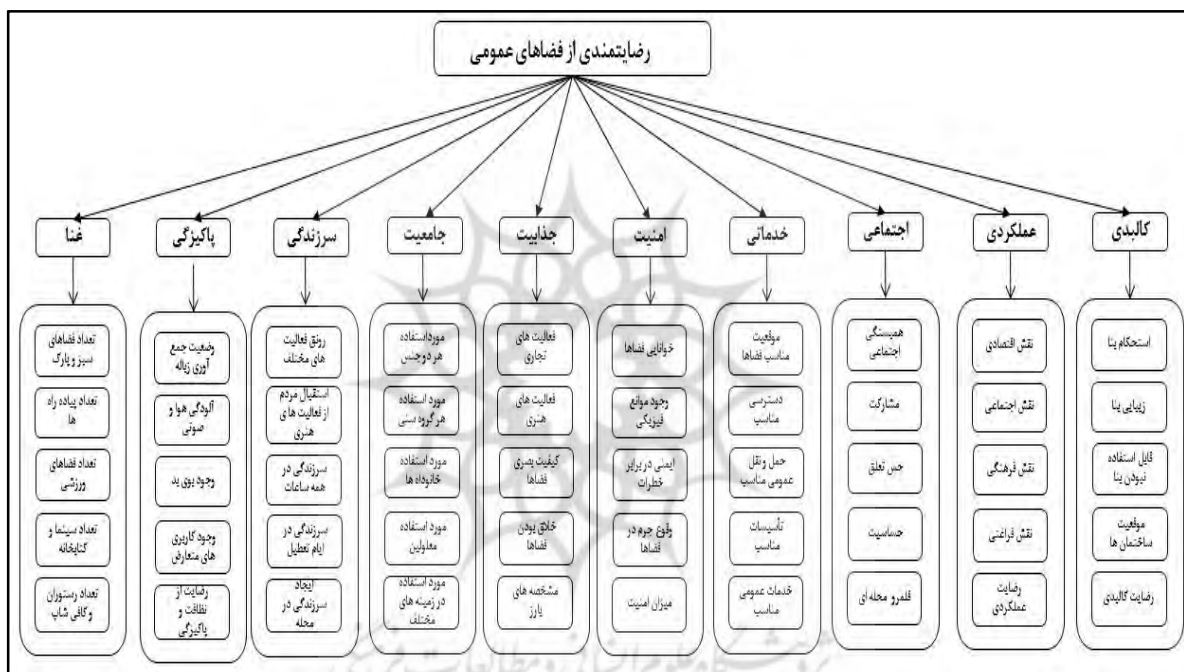
⁵ love

جنس، بی‌عدالتی، عدم احساس امنیت را برای زنان به وجود آورده است.^۱ فلئوری باهی^۱ و همکاران (۲۰۰۸) در تحقیقی به بررسی عوامل تأثیرگذار بر میزان رضایت از محیط پرداخته‌اند. در این تحقیق چهار دسته از عوامل شامل تصور از محیط اجتماعی، دسترسی به خدمات، فضای سبز و روابط اجتماعی موردسنجش قرار گرفتند. هر یک از این عوامل به شاخص‌هایی تقسیم شده است که وجود فضای سبز عمومی با ۰,۷۸۵، نوع مردمی که روزانه با آن‌ها برخورد می‌شود با ۰,۷۵۵، کیفیت فضای سبز محیط با ۰,۷۳۴، به ترتیب بیشترین همبستگی را با میزان رضایت از محیط داشته‌اند. سازمان ملی جوانان در سال ۱۳۸۵ در تحقیقی با عنوان "احساس امنیت و جداسازی فضاهای عمومی زنانه" به مطالعه پرداخته و از جمله نتایجی که به آن‌ها رسیده است شامل نتایج مثبت "حضور روزافزون زنان در شهر و مشارکت آنان در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی که احساس امنیت در محیط شهر و رفت و آمدهای شهری از مهم‌ترین آن‌هاست" و نتایج منفی "هراس از حضور در ساعت آخر شب، ترس از تنها ماندن در مکان‌هایی مانند پارک و غیره، جدایی زنان از عرصه‌های عمومی و خصوصی و محدود شدن زنان به عرصه عمومی" می‌باشد. دلارام و پرتویی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس‌های مختلف شهر تهران (نمونه موردی: فضاهای عمومی دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران)، به بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی پرداخت و همچنین بررسی نمود که آیا وجود فضاهای عمومی در مقیاس‌های نزدیک به هم محله و ناحیه ضروری است یا خیر. نتیجه حاصل شده نشان می‌دهد که توجه به اجتماع‌پذیری در حین برنامه‌ریزی و طراحی فضاها موجب می‌شود آن‌ها در کنار یکدیگر و در مقیاس‌های مختلف به حیات خود ادامه دهند. پورمحمدی و کوشانه (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان ارزیابی و تحلیل فضاهای عمومی شهری با استفاده از مدل تاپسیس (مطالعه موردی شهر تبریز)، به بررسی وضعیت کمی فضاهای عمومی در شهر تبریز و پراکنش و نحوه استقرار فضاهای عمومی در شهر تبریز پرداختند. در نتایج حاصل از این پژوهش بر اساس شاخص‌هایی که در نظر گرفته شده بود مناطق نه‌گانه شهر تبریز رتبه‌بندی شد و سرانه هر یک از فضاهای عمومی در هر منطقه مشخص شد.

عملکرد اصلی فضاهای عمومی، فراهم‌سازی و بسترسازی حضور مردم می‌باشد، لذا ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در این خصوص موضوعاتی همچون بسترسازی شرایط مطلوب فرهنگی - اجتماعی، سرزندگی و حیات اجتماعی که ابعاد کیفی روابط جمعی را رقم می‌زند، از مهم‌ترین وظایف برنامه‌ریزان و طراحان شهری است. فضای شهری به همان نسبت که می‌تواند در توسعه عدالت اجتماعی راهگشا باشد. در صورتی که دقت کافی در برنامه‌ریزی و طراحی آن‌ها صورت نپذیرد، می‌توان عاملی در جهت تعمق نابرابری‌های اجتماعی و کاهش سطح رضایتمندی مردم

^۱ Fleury Bahi

گردد. یکی از مسائل اساسی کلان‌شهرها در حال حاضر کم‌رنگ شدن نقش فضاهای عمومی در حیات اقتصادی و اجتماعی این شهرها است و از طرفی فضاهای عمومی که روزی عامل اصلی حیات، سرزندگی، تنوع و زندگی اجتماعی محلات شهری بودند امروزه دیگر نمی‌توانند این نقش مهم را ایفا کنند و یا کم‌رنگ شده است. بنابراین هدف پژوهش حاضر شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر رضایتمندی از فضاهای عمومی محله‌ای، ارزیابی نقش و میزان تأثیر هر یک از این مؤلفه‌ها در رضایتمندی از فضاهای عمومی و در نهایت رتبه‌بندی و اولویت‌بندی نقش این مؤلفه‌ها می‌باشد. شکل شماره یک مدل مفهومی پژوهش که برگرفته از مفاهیم و نظریات موضوع مورد مطالعه است و در واقع تبیین‌کننده ابعاد و شاخص‌های مؤثر بر رضایتمندی از فضاهای عمومی است را نمایش می‌دهد.



شکل شماره ۱: مدل مفهومی تحقیق (منبع: نگارندگان (۱۳۹۶))

روش پژوهش

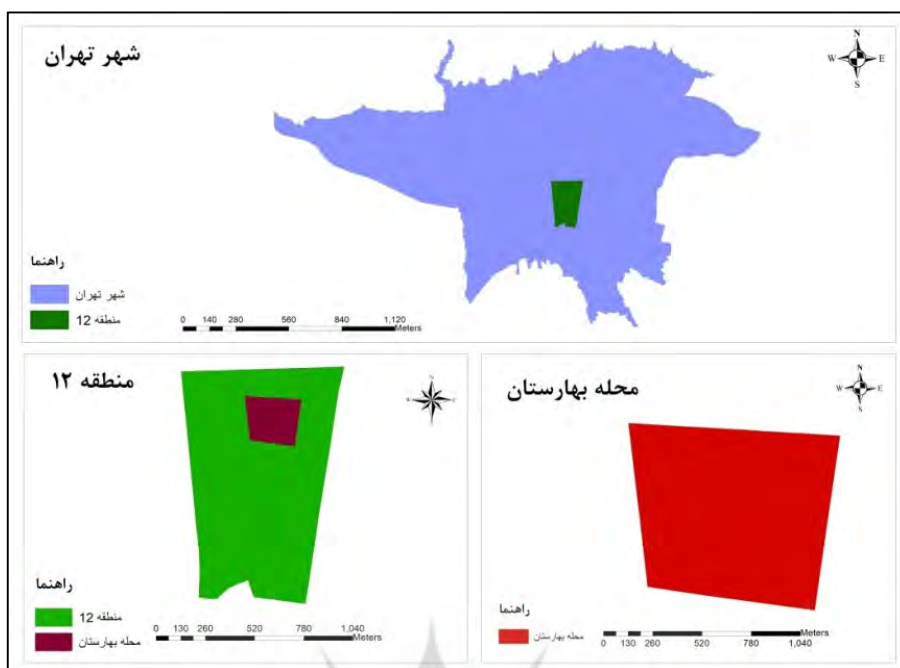
روش‌شناسی تحقیق با توجه به نوع، هدف و موضوع مورد مطالعه می‌تواند متفاوت باشد. مطالعه و بررسی به‌منظور تدوین مؤلفه‌ها و شاخص‌های رضایتمندی از فضاهای عمومی شهری و ارتقاء این معیارها در نیازمند جامع‌نگری در برنامه‌ریزی و مطالعه است که ضمن شنا سایی و طبقه‌بندی معیارها و شاخص‌های رضایتمندی از فضاهای عمومی شهری، باید روابط علی میان این شاخص‌ها نیز مشخص شود. روش تحقیق در پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی است و در گردآوری اطلاعات از روش اسنادی و پیمایشی است که با استفاده از روش پرسشنامه صورت گرفته است. برای ارزیابی رضایتمندی از فضاهای عمومی محله بهارستان شهر تهران از ۱۰ بعد اصلی کالبدی، عملکردی، اجتماعی،

خدمات - دسترسی، ایمنی و امنیت، جذابیت، جامعیت، سرزندگی و تنوع، نظافت و پاکیزگی و غنا استفاده شده است، هر یک از این ابعاد دارای زیر شاخص‌هایی هستند که موردبررسی قرار گرفته‌اند. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده بوده و حجم نمونه با استفاده از مدل کوکران برآورد شد. با توجه به جمعیت محله بهارستان شهر تهران (۱۹۷۶۶ نفر) با استفاده از این روش ۳۷۶ پرسشنامه موردنیاز بود که تهیه و توسط شهروندان تکمیل گردید.

داده‌های حاصل از پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار *SPSS* و *Smart PLS* مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در این پژوهش در بخش آمار توصیفی از فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و غیره استفاده شد. همچنین در بخش آمار استنباطی از آزمون پارامتری *T-test* برای سنجش سطح مؤلفه‌های رضایتمندی از فضاهای عمومی استفاده شد و همچنین از روش تحلیل عاملی برای تعیین ضریب اهمیت مؤلفه‌های رضایتمندی از فضاهای عمومی و از آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی مؤلفه‌های رضایتمندی از فضاهای عمومی استفاده شد. در نهایت در بخش آمار استنباطی برای تحلیل روابط میان شاخص‌ها از مدل‌سازی مسیری *PLS* با کمک نرم‌افزار *Smart PLS* بهره‌برده شده است. برای محاسبه پایایی سؤالات پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید که میزان پایایی آن برابر با ۰٫۸۴ و در سطح قابل قبولی می‌باشد.

محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه پژوهش حاضر محله بهارستان از ناحیه یک منطقه ۱۲ شهرداری تهران است. این محله از شمال به خیابان بهارستان و خیابان فخرآباد، از جنوب به محله سرچشمه، از شرق به خیابان مجاهدین اسلام، و از غرب به خیابان جمهوری و باغ سپهسالار محدود است (شهرداری تهران، ۱۳۹۶). جمعیت محله بهارستان شهر تهران برابر با ۱۹۷۶۶ نفر و دارای سرای محله است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). محدوده محله بهارستان و اطراف آن از قدیم به دلیل وجود ساختمان مجلس ملی مورد اهمیت بوده و هنوز هم به همین دلیل و به سبب وجود ساختمان مجلس شورای اسلامی، اهمیت دارد. یکی از فضاهای عمومی اصلی محله بهارستان پیاده راه سپهسالار است که در خیابان سپهسالار و در سال ۱۳۸۵ ایجاد شده است. در زمان ورود به محله بهارستان اولین چیزی که جلب توجه می‌کند همین پیاده‌راه است و یکی از فضاهای عمومی این محدوده به شمار می‌رود و مردم برای استراحت و گذران اوقات فراغت از نیمکت‌هایی که در این مکان قرار گرفته استفاده می‌کنند. بازار، فضاهای باز، رستوران‌ها، کافی شاپ و سینما از دیگر فضاهای عمومی محله بهارستان هستند. از مشکلات فضاهای عمومی این محدوده می‌توان به وجود کاربری‌های ناسازگار، بافت فرسوده و متروکه، نبود دسترسی کافی به تسهیلات اولیه جهت رفاه عابرین پیاده و مغازه‌داران و کمبود امنیت در شب و حتی در روز اشاره نمود. شکل شماره ۲ نقشه موقعیت محدوده مورد مطالعه را نمایش می‌دهد.



شکل شماره ۲: نقشه محدوده مورد مطالعه (منبع: شهرداری تهران ۱۳۹۶ و طراحی نگارندگان)

یافته‌ها و بحث

۱- یافته‌های توصیفی پژوهش

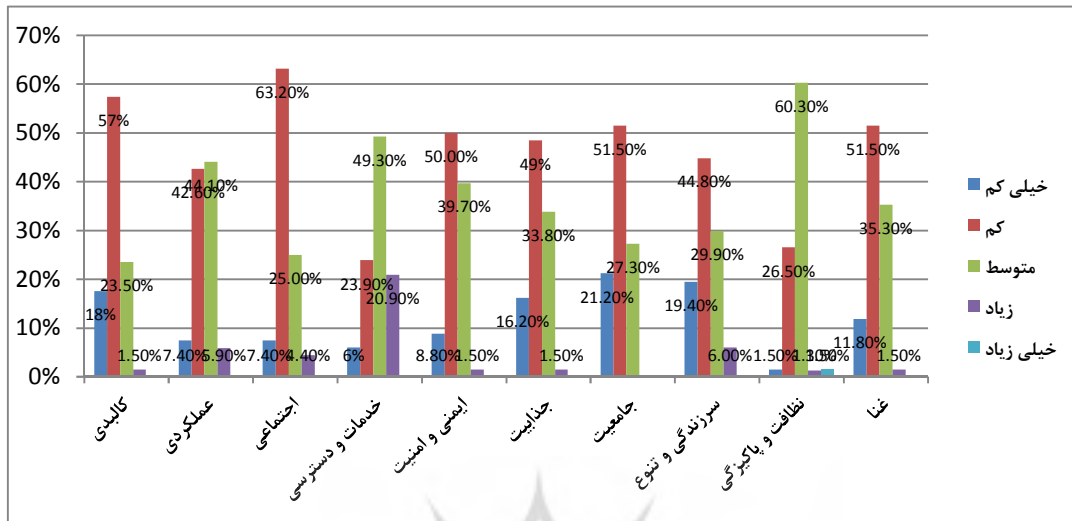
به منظور سنجش رضایتمندی از فضاهای عمومی محله بهارستان شهر تهران، بر اساس رابطه کوکران با ۳۷۶ نفر از شهروندان ساکن این محله اقدام به پرسشگری شد. از آنجایی که رضایتمندی موضوعی نسبی است و ویژگی‌های فردی و شرایط زندگی هر شخص تأثیر بسیاری در سطح رضایتمندی هر فرد دارد؛ بخشی از پرسشنامه به اطلاعات توصیفی اختصاص داده شد. آمار توصیفی پژوهش شامل؛ سن، جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات، شغل، مالکیت مسکن، مدت سکونت در محله، نوع وسیله نقلیه و دلیل سکونت در محله می‌شد. وضعیت اطلاعات توصیفی پاسخ‌دهندگان در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.



جدول شماره ۱. اطلاعات توصیفی پاسخ‌دهندگان

شرح	درصد	شرح	درصد	شرح	درصد
				سن	
خویشاوندان	۱۱,۴	محصل	۱۷,۶		
امنیت	۱۵,۱	کارگر	۲,۹	۱۲ - ۱۸	۲,۹
سایر	۲۴,۷	بیکار	۱,۵	۱۹ - ۳۵	۷۰,۴
نوع وسیله نقلیه		سایر	۸,۸	۳۶ - ۴۵	۱۹,۱
مترو	۴۰,۷	تحصیلات		۴۶ - ۶۰	۶,۹
اتوبوس	۲۸,۴	بی‌سواد	۲,۱	+۶۰	۰,۸
تاکسی	۱۷,۲	ابتدایی	۷,۵	جنس	
اتومبیل شخصی	۹,۴	زیر دیپلم	۴,۵	مرد	۵۵,۹
دوچرخه و موتور	۲,۳	دیپلم	۲۶,۹	زن	۴۴,۱
سایر	۲	فوق‌دیپلم و لیسانس	۴۸,۶	تاهل	
		فوق‌لیسانس و بالاتر	۱۰,۴	متاهل	۵۴,۴
		مدت سکونت در محله		مجرد	۴۵,۶
		کمتر از یک سال	۳۱,۱	مالکیت مسکن	
		۱ - ۵	۲۶,۷	ملکی	۳۲,۲
		۵ - ۱۰	۱۷,۸	اجاره‌ای	۴۸,۶
		۱۰ - ۱۵	۱۱,۱	رهن	۱۲,۲
		۱۵ - ۲۰	۴,۴	شغل	
		+۲۰	۸,۹	کارمند	۸,۸
		دلیل سکونت در محله		آزاد	۳۹,۷
		قیمت مسکن	۱۷,۹	بازنشسته	۱,۵
		نزدیکی به محل کار	۳۰,۸	خانه‌دار	۱۹,۱

همچنین میانگین هر یک از مؤلفه‌های رضایتمندی از فضاهای عمومی به شرح زیر به دست آمد:



شکل شماره ۳: میانگین رضایتمندی از مؤلفه‌های رضایتمندی از فضاهای عمومی

۲- یافته‌های استنباطی پژوهش

۲-۱- سنجش مؤلفه‌های رضایتمندی از فضاهای عمومی (T تک نمونه‌ای)

آزمون T تک نمونه‌ای زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که یک نمونه از جامعه وجود دارد و محقق بخواهد میانگین آن را با یک حالت معمول و رایج استاندارد و حتی یک عدد مورد انتظار مقایسه کند. به عبارت دیگر زمانی که محقق قصد داشته باشد میانگین یک متغیر در پژوهش را با یک میانگین تعیین شده مقایسه کند از آزمون T تک نمونه‌ای بهره می‌برد (دلور، ۱۳۹۲: ۲۶۷). در این تحقیق برای آزمون T میانگین نمونه را با مقدار (۳) که مقدار متوسط در نظر گرفته شده است مورد مقایسه قرار می‌گیرد. چنانچه میانگین هر یک از شاخص‌های تحقیق کمتر از مقدار ۳ باشد و دارای اختلاف معنی‌داری با این مقدار تعیین شده ($P < 0,05$) باشد، نشان‌دهنده این موضوع می‌باشد که سطح رضایتمندی از فضاهای عمومی پایین‌تر از سطح متوسط است.

برای ارزیابی سطح رضایتمندی شهروندان محله بهارستان از ۱۰ شاخص شامل؛ کالبدی، عملکردی، اجتماعی، خدمات و دسترسی، ایمنی و امنیت، جذابیت، جامعیت، سرزندگی و تنوع، نظافت و پاکیزگی و غنا استفاده شد. برای بررسی وضعیت هر یک از شاخص‌ها و سطح رضایتمندی در هر یک از آنها از آزمون *One-Sample Test* استفاده شد. در جدول شماره ۲ خلاصه‌ای از نتایج به دست آمده حاصل از این آزمون آورده شده است.

جدول شماره ۲: نتایج به دست آمده از آزمون T

سطح معناداری	T	میزان $Test\ value$	میانگین	شاخص‌های رضایتمندی
۰,۰۰۰	-۷,۸۴۲	۳	۲,۴۸۵	کالبدی
۰,۰۰۰	-۵,۸۷۴		۲,۴۸۵	عملکردی
۰,۰۰۰	-۴,۷۴۰		۲,۶۳۲	اجتماعی
۰,۰۰۰	۲,۲۶۴		۳,۲۵۳	خدمات و دسترسی
۰,۰۰۰	-۳,۹۵۱		۲,۷۴۴	ایمنی و امنیت
۰,۰۰۰	-۴,۵۲۰		۲,۶۲۶	جذابیت
۰,۰۰۰	-۶,۶۷۳		۲,۴۵۱	جامعیت
۰,۰۰۰	-۵,۱۹۴		۲,۵۴۰	سرزندگی و تنوع
۰,۰۴۰	۲,۰۹۴		۳,۱۸۵	نظافت و پاکیزگی
۰,۰۰۰	-۶,۲۰۴		۲,۵۵۵	غنا
۰,۰۰۰	-۵,۷۲۷		۲,۷۵۴	مجموع شاخص‌ها

همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود نتیجه آزمون T برای همه ابعاد و عوامل تأثیرگذار بر رضایتمندی از فضاهاى عمومی معنادار بوده و سطح رضایتمندی در همه این عوامل بر اساس نتایج آزمون در محله بهارستان پایین می‌باشد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که در همه عوامل مؤثر بر رضایتمندی از فضاهاى عمومی به جزء شاخص نظافت و پاکیزگی مقدار میانگین واقعی بیشتر از میانگین مفروض می‌باشد، به عبارتی رضایتمندی در سطح پایینی قرار دارد.

۲-۲- تعیین ضریب اهمیت مؤلفه‌های رضایتمندی از روش تحلیل عاملی اکتشافی

به منظور استخراج ضریب اهمیت مؤلفه‌های تأثیرگذار بر رضایتمندی از فضاهاى عمومی از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. با توجه به آنکه تحلیل عاملی روی ۱۰ معیار مؤثر بر رضایتمندی از فضاهاى عمومی در محله بهارستان شهر تهران انجام شد، ۴ عامل به عنوان عوامل اصلی شناخته شدند. متغیرهای کالبدی، جذابیت، جامعیت و غنا بر روی عامل اول دارای بار عملی بیشتری هستند. متغیرهای خدمات و دسترسی و سرزندگی و تنوع بر روی عامل دوم بار عملی بیشتری داشته‌اند. همچنین متغیرهای ایمنی و امنیت و نظافت و پاکیزگی بر روی عامل سوم و متغیرهای عملکردی و اجتماعی بر روی عامل چهارم دارای بیشترین بار عملی بوده‌اند. در جدول شماره ۳ بار عاملی و امتیاز عاملی متغیرها نشان داده شده است. با توجه به مقایسه نمره عامل‌ها، عامل اول که شامل معیارهای کالبدی، جذابیت، جامعیت و غنا است به عنوان مهم‌ترین عامل در رضایتمندی از فضاهاى عمومی محله بهارستان شهر تهران تعیین گردید.

جدول شماره ۳: بار و امتیاز عاملی متغیرهای رضایتمندی از فضاهای عمومی

عامل	معیار	بار عاملی	امتیاز عامل
۱	کالبدی	۰,۷۳۳	۰,۷۰۸
	جذابیت	۰,۶۷۳	
	جامعیت	۰,۶۶۸	
	غنا	۰,۶۳۸	
۲	خدمات و دسترسی	۰,۶۹۹	۰,۶۰۶
	سرزندگی و تنوع	۰,۷۵۹	
۳	ایمنی و امنیت	۰,۷۶۵	۰,۲۵۲
	نظافت و پاکیزگی	۰,۸۲۵	
۴	عملکردی	۰,۶۰۳	۰,۲۶۰
	اجتماعی	۰,۸۶۳	

۲-۳- رتبه‌بندی مؤلفه‌های رضایتمندی از فضاهای عمومی از نظر شهروندان

اولویت‌بندی مؤلفه‌های رضایتمندی از فضاهای عمومی از نظر پرسش‌شوندگان با استفاده از آزمون فریدمن انجام شد. پس از تأیید فرضیه امکان اولویت‌بندی متغیرهای مستقل رضایتمندی از فضاهای عمومی، مشخص گردید که از مجموع معیارهای انتخابی متغیر خدمات و دسترسی با میانگین رتبه‌ای ۸,۱ در اولویت نخست، متغیر نظافت و پاکیزگی با میانگین رتبه‌ای ۷,۵۷ در اولویت دوم و متغیر ایمنی و امنیت با میانگین رتبه‌ای ۵,۹۰ در اولویت سوم قرار گرفتند. متغیر جامعیت با میانگین رتبه‌ای ۴,۳۵ در اولویت آخر قرار گرفت. اولویت‌های چهارم تا ماقبل آخر به ترتیب مربوط به متغیرهای جذابیت، اجتماعی، غنا، کالبدی، عملکردی، و سرزندگی و تنوع می‌باشد. جدول شماره ۴ نتایج آزمون فریدمن را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴: میانگین رتبه‌های مؤلفه‌های رضایتمندی از فضاهای عمومی

متغیر	میانگین رتبه‌ای
کالبدی	۴,۶۵
عملکردی	۴,۵۴
اجتماعی	۵,۱۹
خدمات و دسترسی	۸,۰۱
ایمنی و امنیت	۵,۹۰
جذابیت	۵,۳۳
جامعیت	۴,۳۵
سرزندگی و تنوع	۴,۴۸
نظافت و پاکیزگی	۷,۵۷



غنا	۴,۹۸
-----	------

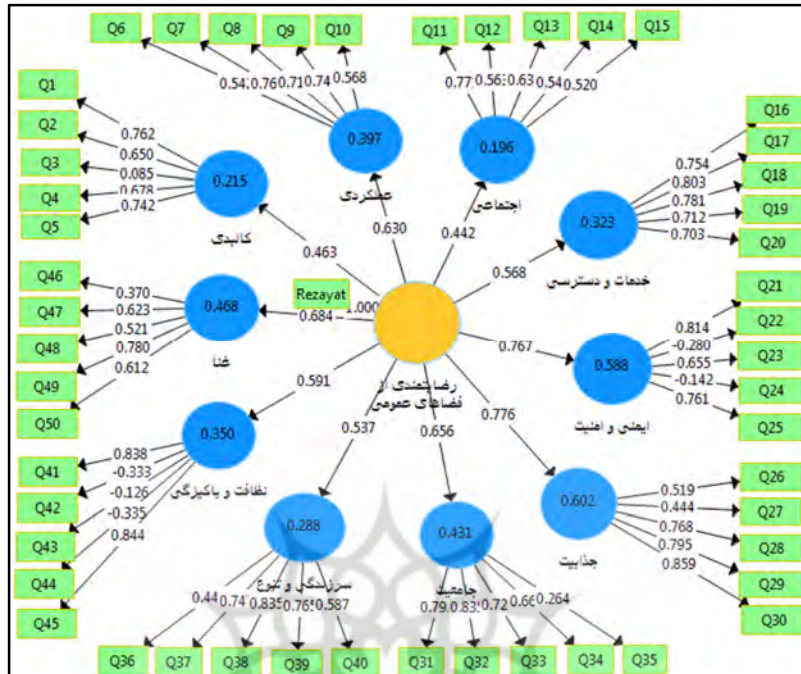
۴-۲- سنجش میزان تأثیر ابعاد مختلف بر رضایتمندی از فضاهای عمومی با استفاده از مدل معادلات ساختاری (مدل‌سازی مسیری *PLS*)

در پژوهش‌هایی که هدف، آزمون مدلی خاص از روابط بین متغیرها است می‌توان از روش مدل معادلات ساختاری استفاده نمود. مدل‌سازی مسیری *PLS* یکی از روش‌های مدل معادلات ساختاری است. یک مدل کامل مسیری *PLS* شامل دو بخش اندازه‌گیری (مدل بیرونی) و ساختاری (مدل درونی) است. در قسمت اندازه‌گیری، ارتباط سؤالات با سازه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد و در قسمت ساختاری عامل‌های مورد بررسی با یکدیگر جهت آزمون فرضیه‌ها مورد توجه هستند. با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها و وجود همبستگی لازم بین متغیرها می‌توان از مدل‌های معادلات ساختاری (نرم‌افزار *SmartPLS*) استفاده کرد (غلامزاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

مدل مفهومی آزمون شده در حالت استاندارد یا الگوریتم *PLS* و ضریب مسیرها در شکل شماره (۴) ارائه شده است. اعدادی که بر روی مسیر سازه‌ها با یکدیگر نشان داده شده است، ضریب مسیر نامیده می‌شود. این اعداد بیانگر بتای استاندارد شده در رگرسیون یا ضریب همبستگی دو سازه است و برای بررسی میزان تأثیر مستقیم یک متغیر بر متغیر دیگر ارائه می‌شود. اعدادی که بر روی مسیر بین سازه‌ها و معرف‌ها نمایش داده می‌شود در مدل‌های انعکاسی بیانگر بار عاملی است.

با توجه به شکل شماره (۴) که وضعیت مدل اندازه‌گیری تحقیق در حالت استاندارد را نمایش می‌دهد و با توجه به مقادیر ضرایب مسیر که بیانگر بتای استاندارد شده در رگرسیون یا ضریب همبستگی دو سازه است، می‌توان میزان تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل که همان ابعاد ده‌گانه رضایتمندی در این تحقیق هستند را بر متغیر وابسته که رضایتمندی از فضاهای عمومی می‌باشد را سنجید و میزان تأثیر این ابعاد را نیز رتبه‌بندی نمود. بر اساس مدل درونی یا ساختاری تحقیق، مؤلفه جذابیت با ضریب مسیر ۰,۷۷۶ دارای بیشترین تأثیرگذاری بر رضایتمندی از فضاهای عمومی در محدوده مورد مطالعه بوده است. بعد از آن مؤلفه ایمنی و امنیت با ضریب مسیر ۰,۴۳۶ در درجه دوم تأثیرگذاری و مؤلفه غنا با ضریب مسیر ۰,۶۸۴ در درجه سوم تأثیرگذاری بر رضایتمندی از فضاهای عمومی قرار می‌گیرند. مؤلفه جامعیت با ضریب مسیر ۰,۶۵۶، مؤلفه عملکردی با ضریب مسیر ۰,۶۳۰، مؤلفه نظافت و پاکیزگی با ضریب مسیر ۰,۵۹۱، مؤلفه خدمات و دسترسی با ضریب مسیر ۰,۵۶۸، مؤلفه سرزندگی و تنوع با ضریب مسیر ۰,۵۳۷ و مؤلفه کالبدی با ضریب مسیر ۰,۴۶۳ در رتبه‌های چهارم تا ماقبل آخر تأثیرگذاری بر رضایتمندی از فضاهای عمومی در محله بهارستان قرار

می‌گیرند. و در نهایت مؤلفه اجتماعی با ضریب مسیر ۰,۴۴۲ دارای کمترین تأثیرگذاری بر رضایتمندی از فضاهای عمومی بر اساس مدل معادلات ساختاری (مدل‌سازی مسیر *PLS*) در محدوده مورد مطالعه بوده است.



شکل شماره ۴: مدل ساختاری مدل‌سازی مسیری پژوهش

نتیجه‌گیری

باید توجه داشت که فضاهای عمومی شهری آینه زندگی و فعالیت‌های مردمان هر شهر در هر دوره‌ای هستند. به بیانی دیگر رابطه تنگاتنگی میان توسعه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی یک شهر و فضاهای عمومی آن وجود دارد. فعالیت‌های انسانی در عرصه اجتماعی ضامن بقای زندگی جمعی و تقویت حس شهروندی است که به واسطه فضاهای عمومی گسترش و تجلی می‌یابد. چراکه در این فضاهاست که مناسبات چهره به چهره، اجتماعات سیاسی و مراسم و جشن‌های عمومی رخ می‌دهد. به واسطه همین جریان‌هاست مفاهیمی چون مشارکت شهروندی و جامعه مدنی و در نتیجه حس تعلق به مکان (شهر) تقویت می‌گردد. بنابراین امروزه به فضاهای عمومی شهری به عنوان یک ضرورت اساسی در برنامه‌ریزی‌های توسعه شهری حکایت از بازتولید این فضاها در تقویت وجهه کالبدی - اجتماعی شهر دارد. بنابراین الگوهای ارزیابی کیفیت فضاهای عمومی به‌ویژه در مورد رضایتمندی می‌تواند در شناسایی وضع موجود، آگاهی از نقاط قوت، کاستی‌ها و نواقص احتمالی با هدف ارتقای کیفیت فضاهای عمومی شهری مؤثر واقع گردد. محله بهارستان شهر تهران یکی از محلات مورد توجه این کلان‌شهر است که از مشکلات فضاهای عمومی این محدوده می‌توان به وجود کاربری‌های ناسازگار، بافت فرسوده و متروکه، نبود دسترسی کافی به تسهیلات اولیه جهت رفاه عابرین پیاده و

مغازه‌داران و کمبود امنیت در شب و حتی در روز اشاره نمود. لذا پژوهش حاضر به ارزیابی مؤلفه‌های رضایتمندی از فضاهای عمومی که مطالعه موردی آن محله بهارستان شهر تهران است پرداخته است. روش تحقیق مورد نظر توصیفی - تحلیلی است و جمع‌آوری اطلاعات به صورت پیمایشی و اسنادی و با استفاده از پرسشنامه انجام شده است. در واقع داده‌های حاصل از پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار *SPSS* و *PLS* مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

بر اساس یافته‌های تحقیق رضایتمندی از فضاهای عمومی در محله بهارستان از وضعیت چندان مساعدی برخوردار نبوده به طوری که میانگین مؤلفه‌های رضایتمندی از فضاهای عمومی در سطح این محله تنها برابر با ۲,۷۵ در طیف لیکرت (۱-۵) بوده و از حد متوسط نیز پایین تر می‌باشد. همین‌طور نتایج آزمون *T* نیز نشان‌دهنده این مطالب است که سطح رضایت از فضاهای عمومی در محله بهارستان شهر تهران در وضعیت نامطلوبی قرار دارد و آزمون *T* در مورد شاخص‌ها و زیر شاخه‌ها نشان‌دهنده این است که سطح رضایت از تمامی مؤلفه‌های رضایتمندی از فضاهای عمومی پایین می‌باشد. همچنین با توجه به آنکه تحلیل عاملی روی ۱۰ معیار مؤثر بر رضایتمندی از فضاهای عمومی در محله بهارستان شهر تهران انجام شد، ۴ عامل به عنوان عوامل اصلی شناخته شدند. متغیرهای کالبدی، جذابیت، جامعیت و غنا بر روی عامل اول دارای بار عملی بیشتری هستند. متغیرهای خدمات و دسترسی و سرزندگی و تنوع بر روی عامل دوم بار عملی بیشتری داشته‌اند. همچنین متغیرهای ایمنی و امنیت و نظافت و پاکیزگی بر روی عامل سوم و متغیرهای عملکردی و اجتماعی بر روی عامل چهارم دارای بیشترین بار عاملی بوده‌اند. با توجه به مقایسه نمره عامل‌ها، عامل اول که شامل معیارهای کالبدی، جذابیت، جامعیت و غنا است به عنوان مهم‌ترین عامل در رضایتمندی از فضاهای عمومی محله بهارستان شهر تهران تعیین گردید. اولویت‌بندی مؤلفه‌های رضایتمندی از فضاهای عمومی از نظر پرسش‌شوندگان با استفاده از آزمون فریدمن انجام شد که مشخص گردید که از مجموع معیارهای انتخابی متغیر خدمات و دسترسی با میانگین رتبه‌ای ۸,۱ در اولویت نخست، متغیر نظافت و پاکیزگی با میانگین رتبه‌ای ۷,۵۷ در اولویت دوم و متغیر ایمنی و امنیت با میانگین رتبه‌ای ۵,۹۰ در اولویت سوم قرار گرفتند. متغیر جامعیت با میانگین رتبه‌ای ۴,۳۵ در اولویت آخر قرار گرفت. اولویت‌های چهارم تا ماقبل آخر به ترتیب مربوط به متغیرهای جذابیت، اجتماعی، غنا، کالبدی، عملکردی، و سرزندگی و تنوع می‌باشد.

بر اساس نتایج به دست آمده از مدل ساختاری *PLS*، مؤلفه جذابیت با ضریب مسیر ۰,۷۷۶ دارای بیشترین تأثیرگذاری بر رضایتمندی از فضاهای عمومی در محدوده مورد مطالعه بوده است. بعد از آن مؤلفه ایمنی و امنیت با ضریب مسیر ۰,۴۳۶ در درجه دوم تأثیرگذاری و مؤلفه غنا با ضریب مسیر ۰,۶۸۴ در درجه سوم قرار می‌گیرند. مؤلفه‌های جامعیت، عملکردی، نظافت و پاکیزگی، خدمات و دسترسی، سرزندگی و تنوع و کالبدی به ترتیب با ضریب‌های مسیر ۰,۶۵۶،

۰,۶۳۰, ۰,۵۹۱, ۰,۵۶۸, ۰,۵۳۷, ۰,۴۶۳ در رتبه‌های چهارم تا ماقبل آخر تأثیرگذاری بر رضایتمندی از فضاهای عمومی در محله بهارستان قرار می‌گیرند. و در نهایت مؤلفه اجتماعی با ضریب مسیر ۰,۴۴۲ دارای کمترین تأثیرگذاری بر رضایتمندی از فضاهای عمومی بر اساس مدل معادلات ساختاری (مدل‌سازی مسیر *PLS*) در محدوده مورد مطالعه بوده است. بنابراین با شناخت میزان تأثیر هر یک از این مؤلفه‌ها و اولویت‌بندی آن‌ها و برنامه‌ریزی در راستای ارتقاء این مؤلفه‌ها می‌توان سطح رضایتمندی از فضاهای عمومی در محدوده مورد مطالعه را بالا برد.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان‌دهنده این مطلب است که ساکنین محله بهارستان از عملکرد فضاهای عمومی موجود در محله خود رضایت کافی را ندارند و درواقع فضاهای عمومی نتوانسته‌اند آن نقش اجتماعی - فرهنگی و حتی اقتصادی که در سابق داشته‌اند را ایفا کنند. بر اساس شواهد حاصل از پژوهش می‌توان مسائل فضاهای عمومی محله بهارستان را در سه طیف تقسیم‌بندی نمود. طیف اول یا مسأله اول همان کمبود فضاهای عمومی در سطح محله است که در این پژوهش با عنوان مؤلفه غنا شناخته شد. درواقع فضاهای عمومی موجود در سطح محله با میزان جمعیت ساکن در محله همخوانی ندارد و نیازهای ساکنین به این فضاها را رفع نمی‌کند. طیف دوم مسائل و چالش‌های فضاهای عمومی شامل مؤلفه‌های جذابیت، عملکردی و سرزندگی و تنوع می‌شود. یعنی فضاهای عمومی محله بهارستان برای ساکنین دارای جذابیت نیستند و هیچ‌گونه برنامه‌ریزی و یا برنامه‌ای که جذب‌کننده ساکنین به این فضاها باشد در فضاهای عمومی اجرا نمی‌شود. و از طرفی از نظر زمانی فضاهای عمومی دارای تنوع نیستند یعنی در همه ساعات مردم در فضاهای عمومی حضور ندارند و یا شرایط حضور وجود ندارد، مثلاً در هنگام شب به دلیل پایین بودن امنیت امکان استفاده از این فضاها وجود ندارد. چالش و مسأله سوم فضاهای عمومی محله بهارستان که با مؤلفه جامعیت پژوهش ما در ارتباط است این است که فضاهای عمومی به‌گونه‌ای نیستند که همه اقشار جامعه و یا همه گروه‌های سنی بتوانند از آن‌ها استفاده کنند و یا آن جذابیت لازم را ندارند و همین‌طور فعالیت‌ها و عملکردهایی که جاذب قشر و گروه‌های سنی مختلف باشد در این فضاها وجود ندارد.

منابع

- ۱- اسمعیلیان، سحر و رنجبر، احسان، (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری و انتقال خاطرات جمعی در فضاهای عمومی شهری (نمونه موردی: تهران، میدان تجریش، میدان بهارستان و میدانچه تئاتر شهر)، نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، دوره ۵، شماره ۱۱، ص ۱۸۱-۱۹۴.
- ۲- امیراصلانی، مهرناز و آشتیانی، سوگل، (۱۳۸۵)، توسعه فضاهای فراغت: امری ضروری جهت پاسخگویی نیاز جوانان، اولین همایش بین‌المللی شهر برتر.
- ۳- آراسته، مجتبی، (۱۳۸۹)، بررسی و مقایسه تطبیقی کیفیت فضاهای عمومی در سکونتگاه‌های خودرو؛ نمونه موردی: محلات اسلام‌آباد و ده ونک تهران، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره ۱، شماره ۱، ص ۱۰۷-۱۳۰.
- ۴- بصیری مزدهی، رضا و خلیجی، کیوان، (۱۳۸۹)، فضای عمومی، ماهیتی پیچیده و چند مفهومی؛ پیشنهادی چندوجهی برای گونه‌بندی فضاهای عمومی، مجله منظر، شماره ۷، ص ۳۸-۴۱.
- ۵- پارسی، حمیدرضا و فرمهبینی فراهانی، بهراد، (۱۳۹۵)، طرح‌واره ذهنی، فضای شهری، خلاقیت، فصلنامه آرمان‌شهر، دوره ۹، شماره ۱۷، ص ۳۰۳-۳۱۵.
- ۶- پاکزاد، جهان‌شاه، (۱۳۸۴)، راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، چاپ اول.
- ۷- پورمحمدی، محمدرضا و کوشانه، روشن، (۱۳۹۲)، ارزیابی و تحلیل فضاهای عمومی شهری با استفاده از مدل تاپسیس، مطالعه موردی: تبریز، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای سال ۵، شماره ۱۷، صص ۳۷-۵۲.
- ۸- جیکوبز، جین، (۱۳۸۵)، مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۹- حبیبی، کیومرث؛ نسترن، مهین و محمدی، مهرداد، (۱۳۹۵)، سنجش و ارزیابی سرزندگی فضاهای عمومی شهری و نقش آن در ارتقای کیفیت زندگی جوانان مورد شناسی: خیابان نظر شرقی اصفهان، فصلنامه و آمایش شهری - منطقه‌ای، دوره ۶، شماره ۱۹، ص ۱۶۱-۱۸۰.
- ۱۰- حبیبی، محسن و پورمحمدی، نوید (۱۳۹۲)، فضاهای عمومی و زندگی جمعی در شهر تاریخی ورامین، مجله هویت شهر، دوره ۷، شماره ۱۵، ص ۵-۱۴.
- ۱۱- دلاور، علی، (۱۳۹۲)، مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، چاپ دوم، انتشارات رشد، تهران.
- ۱۲- رفیعیان، مجتبی؛ عسگری، علی و عسگری زاده، زهرا، (۱۳۸۸)، سنجش میزان رضایتمندی سکونت‌ی ساکنان محله نواب، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۷، ص ۵۳ تا ۶۷.
- ۱۳- شهرداری منطقه ۱۲ تهران (۱۳۹۶)، قابل دسترسی از طریق آدرس: <http://region12.tehran.ir>

۱۴- صالحی، اسماعیل، (۱۳۸۷)، ویژگی‌های محیطی فضاهای شهری امن، چاپ اول، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.

۱۵- غلامزاده، رسول؛ آذر، عادل و قنوتی، مهدی، (۱۳۹۱)، مدل‌سازی مسیری - ساختاری در مدیریت: کاربرد نرم‌افزار *Smart PLS*، تهران، نشر نگاه دانش.

۱۶- قاسم‌زاده، بهنام؛ رسول‌زاده اقدم، صمد و رهبری پور، کسری، (۱۳۹۲). بررسی تأثیر فضاهای عمومی شهری و فضای مجازی در شکل‌گیری افکار عمومی جامعه، مطالعات جامعه‌شناسی، سال سوم، شماره یازدهم، ص ۲۱ - ۳۵.

۱۷- کاشانی‌جو، خشایار، (۱۳۸۹)، بازساخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری، نشریه هویت شهر، دوره ۴، شماره ۶، ص ۹۵ - ۱۰۶.

۱۸- لنگ، جان (۱۳۸۳)، آفرینش نظریه‌ی معماری؛ نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه‌ی علیرضا عینی فر، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۹- مدنی‌پور، علی و نیوکا سل، ترجمه فرشاد نوریان (۱۳۹۱)، فضاهای عمومی و خصوصی شهر، نشر شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

۲۰- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن.

۲۱- Gehl, J. (2007), *Public Spaces for Changing Public life, Topo*, 61, 16-22.

۲۲- Golany, G. 1996. *Geo-Space Urban Design*. John Wiley and Son.

۲۳- Hall, Edvard, 1995, *towards a general urban theory*, in J Brotchie, M.Batty, E.Blakely, P.Hall and P.Newman, eds, *Cities in Completion Longman Australia, Melbourne*.

۲۴- James, R. (2008). *Residential stisfaction of elderly tenants in apartment housing, Social Indicators Research, Vol. 89, No. 3, p.p 422-437*.

۲۵- Mandeli, k. N. (2010). *Promoting public space governance in Jeddah. Saudi Arabia. Cities*, 27, p.p. 443-455.

۲۶- Orum, M. A. (2010). *Introduction. In Orum, M. A. and Neal, P. Z. eds. Common Ground? Readings and Reflections on Public Space. New York, Taylor and Francis, pp. 13 - 17*.

۲۷- Rogers, W. (2003). *The excellent city park system. What make it great and how to get there, The trust for Public land, Washington*.